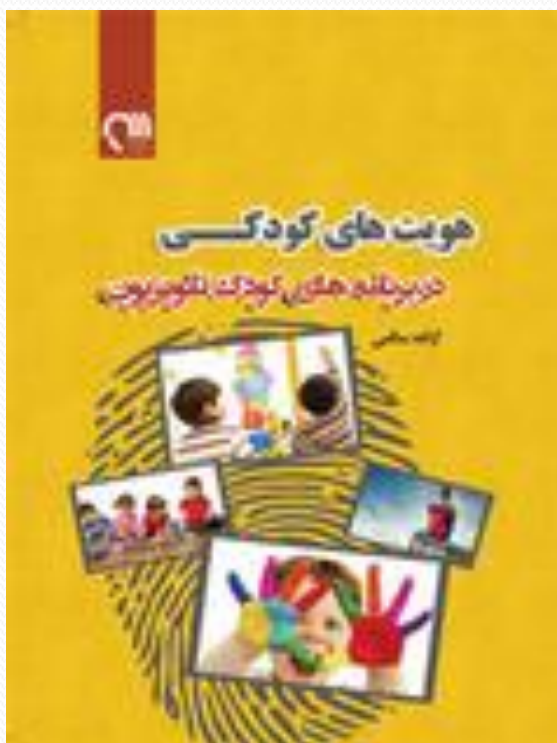


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بررسی تصویر کودکی در برنامه کودک تلویزیون

آزاده سالمی

پژوهشگر مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما

مقدمه

کودکان امروز، زمان زیادی را به استفاده از رسانه و به ویژه تلویزیون می پردازند. به تعبیری تلویزیون دایه الکترونیک کودکان است.

بخش زیادی از یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران صورت می گیرد، لذا نحوه بازنمایی شخصیت های کودک در رسانه ها، الگوهای رفتاری به نمایش درآمده و توصیه های شخصیت های برنامه ممکن است بر برداشت مخاطبان کودک از خودشان و تصور آنان از رفتارهای مورد انتظار و شیوه های مواجهه با مسائل اثر بگذارد و اشکال خاصی از هویت کودکی را طبیعی و مطلوب جلوه دهد.

از این رو بررسی تصویری که از کودکی در برنامه کودک تلویزیون ارائه می شود، ضروری به نظر می رسد.

روش شناسی

مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان «**هویت های کودکی در برنامه های کودک تلویزیون**» است که در مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما، به روش تحلیل گفتمان با رویکرد **لاکلا وموف** صورت گرفته است.

جامعه آماری

برنامه های ترکیبی مخصوص کودکان که در سال ۱۳۹۲ تولید و از شبکه ۲ و ۵ سیما پخش شده است.

نمونه

۶ قسمت از هر یک از برنامه های «جمعه به جمعه، خونه به خونه»؛ «فیتیله ۲»؛ «شادونه و پرندگان زبل»؛ «کتابخانه پورنگ» و «رنگین کمان»

مباحث نظری

منشاء هویت

انواع رویکردها در مورد کودکی
دسته بندی ایماژهای کودکی

❖ منشاء هویت

هویت روایتی است که فرد یا گروه در مورد خود دارند و در پاسخ به سؤالاتی مثل «من کیستم (یا ما کیستیم)» و «چه انتظاراتی از من (یا ما) می رود» ارائه می شود.

دیدگاه های متفاوتی در مورد منشاء و میزان ثبات هویت وجود دارد.

۱- دیدگاه ذات گرایانه

از این نگاه، هویت، جوهر ثابت و پایداری دارد و مقوله یکپارچه ای است که به هستی انسان معنی می دهد.

۲- رویکرد ساخت گرایی اجتماعی

تلقی این رویکرد آن است که هویت، مقوله ای ثابت، یکپارچه و منسجم نیست. هویت های چندگانه طی فرایندهایی پویا، و تحت تاثیر ایدئولوژیها و دیدگاههای رایج در جامعه به طور دایم برساخته می شوند.

۳- رویکرد گفتمانی

از این منظر هویتها دستاورد گفتمانها هستند. لذا هویت فرد یا گروه تحت تاثیر جایگاهی است که نسبت به هر گفتمان کسب می کند و با توجه به تعدد گفتمان های تاثیرگذار، افراد و گروه ها دارای هویت های چندگانه و تکه تکه هستند.

❖ انواع رویکردها در مورد کودکی

در مقاطع زمانی و ساختارهای اجتماعی مختلف، ادراک متفاوتی از کودکی و مقتضیات آن وجود داشته است.

کودک مینیاتوری

- در قرون وسطی کودکی به عنوان دوره ای متمایز از بزرگسالی شناخته نمی شد و انتظاراتی شبیه به بزرگسالان، از کودکان وجود داشت. (آریس در قرون یا اعصار کودکی)

ذات گرایانه

- این رویکرد فطرت مشخصی برای کودکان قائل است و به نقش محیط و ساختار اجتماعی در شکل دهی به هویت کودکان اهمیت نمیدهد.

رفتارگرایی

- رفتارگرایی بر این باور است که عوامل محیطی مهمترین نقش را در آموزش کودکان دارند و بر یادگیری بر مبنای شرطی شدن از طریق پاداش و تنبیه تاکید دارد.

روانشناسی رشد

- این دیدگاه مجموعه قواعد جهان شمولی را بر فرایند رشد حکمفرما می داند. اگر آموزش مناسب برای هر دوره رشد ارائه گردد و کودک از گزند آثار نامطلوب محیط دنیای بزرگسالی در امان باشد، استعدادهای او شکوفا می شود. (پیاژه و اریکسون)

کارکردگرایی

- از نگاه کارکردگرایان، کودکی دوره کسب مهارت و آمادگی برای ایفای نقش در بزرگسالی است و جامعه پذیری، ضامن پایداری فرهنگ جامعه در طول زمان است. (پارسونز)

زوال کودکی

- سرمایه داری با تکیه بر مصرف گرایی و تکنولوژی های جدید موجب زوال دوران کودکی شده است. (نیل پست من)

مطالعات فرهنگی

- از منظر مطالعات فرهنگی کودکان صرفاً دریافت کنندگان منفعل آموزه های جامعه پذیری نیستند. بلکه ممکن است در قالب تفسیرکنندگان پیام، کنشگران اجتماعی فعال، و مشارکت کنندگان خلاق عمل کنند. (باکینگهام)

جامعه شناسی کودکی

- هویت کودکی، برساخته اجتماعی و فرهنگی است و اولویت های ایدئولوژیک جوامع، انتظارات از کودکی را شکل می دهند. مباحثی چون ساختار و عاملیت در کنشگری کودکان، مناسبات قدرت، خاص گرایی و عام گرایی مورد توجه جامعه شناسی جدید کودکی است. (جیمز آلیسون، گریتز و جنکس)

❖ دسته بندی ایماژهای کودکی

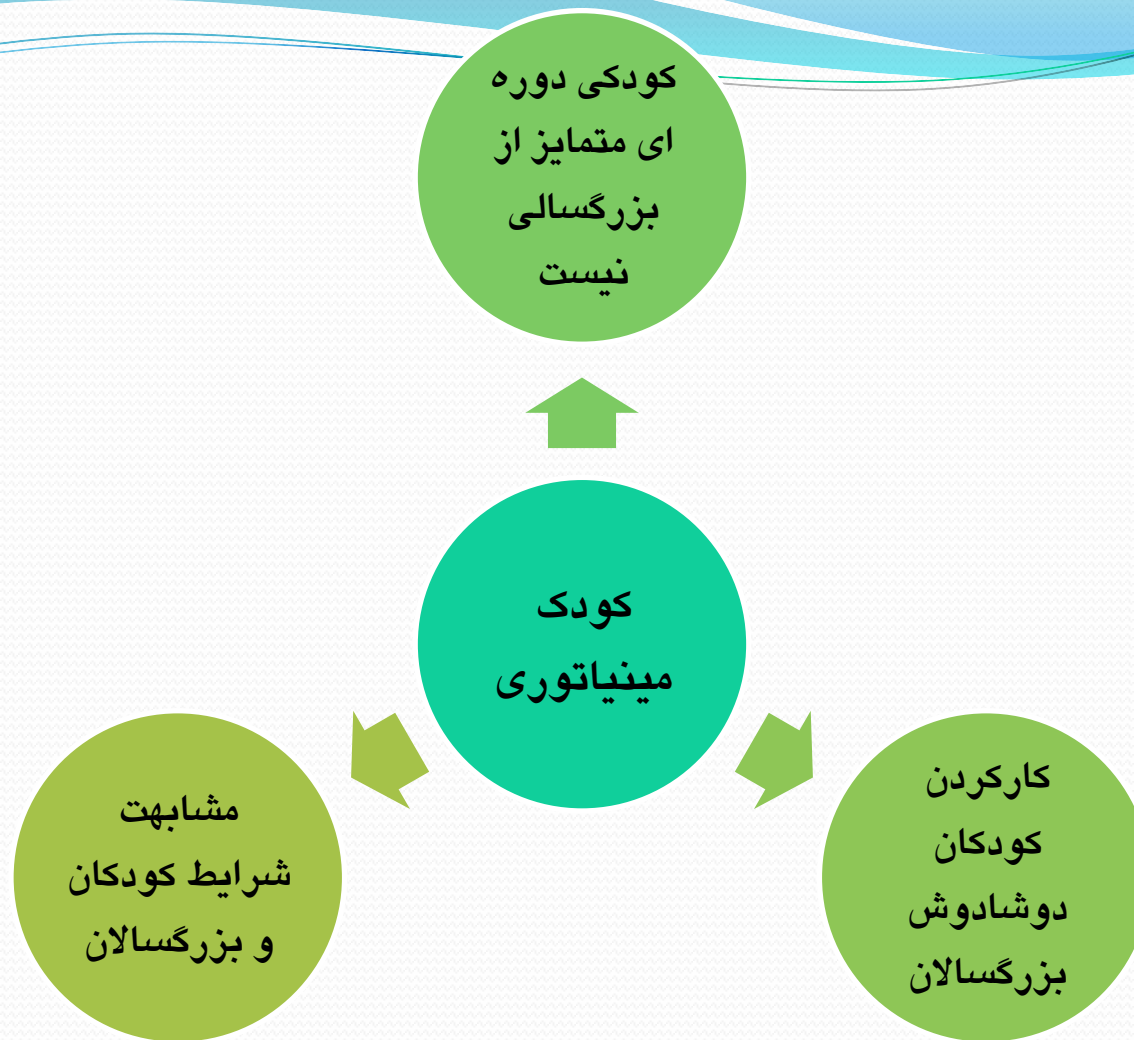
۱۱ ایماژ کودکی که در این مقاله مبنای تحلیل گفتمانهای کودکی قرار گرفته، برگرفته از منابع ذیل است:

✓ سورین (Sorin, 2005)

«ایماژهای در حال تغییر کودکی؛ مفهوم بندی مجدد رفتار با کودکان»

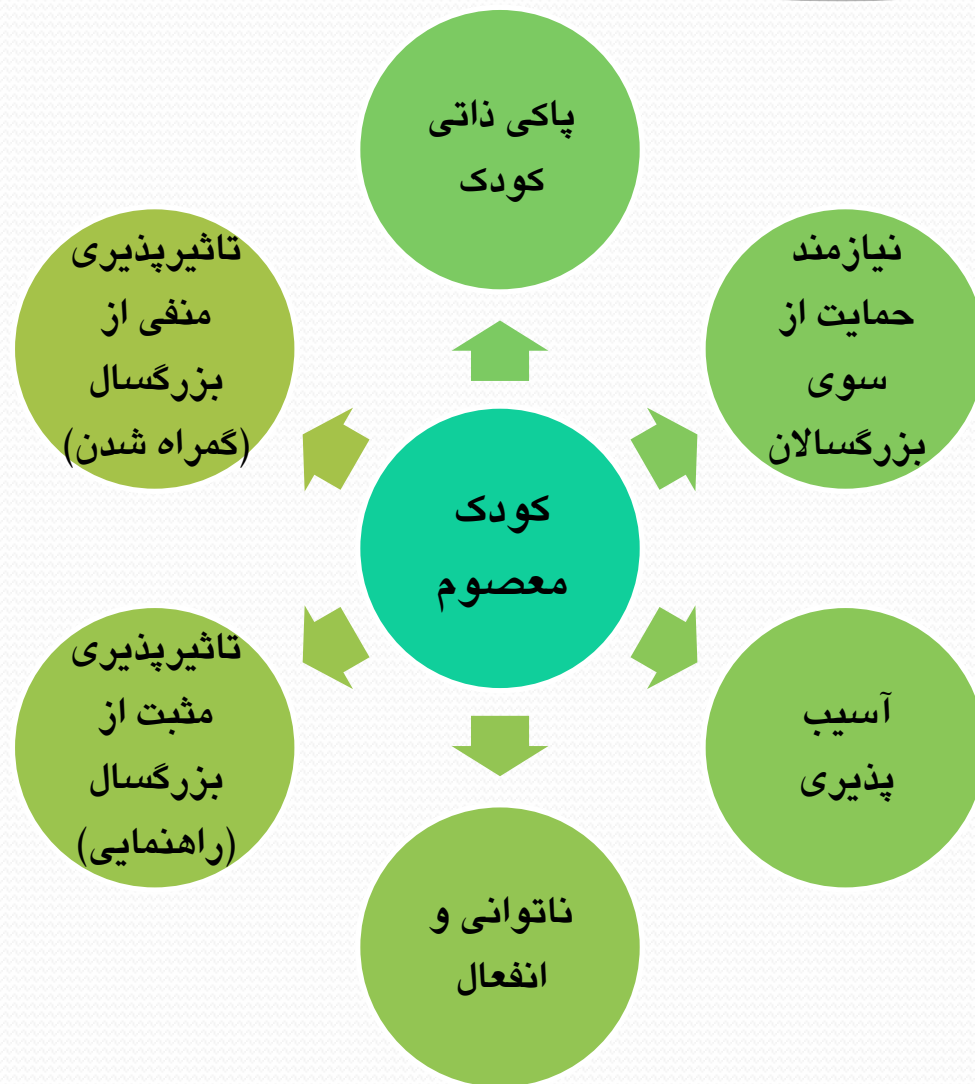
✓ فرگوسن (Ferguson, 2013)

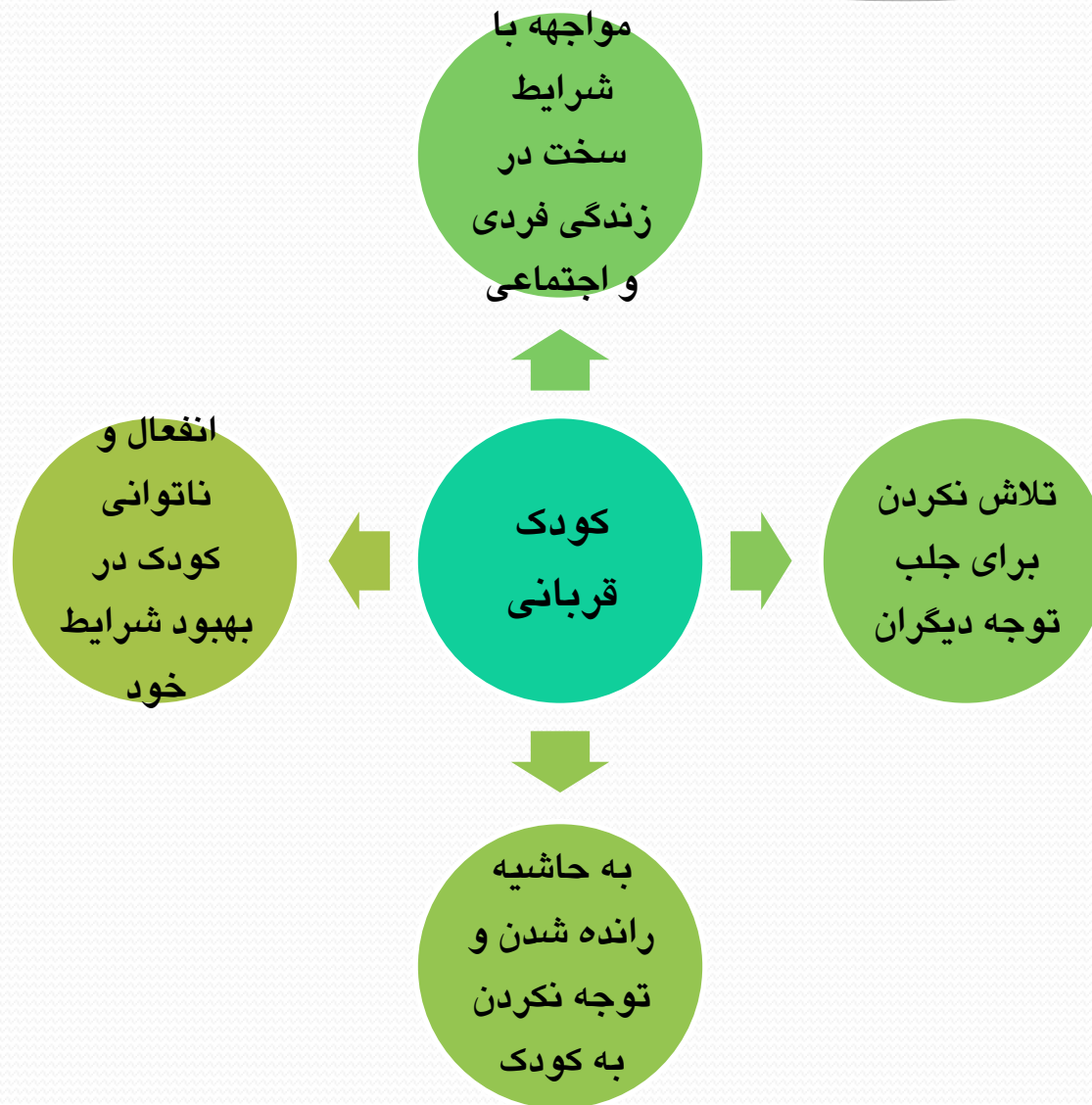
«کودکی سرمایه داری در فیلم؛ رویکردهای انتقادی»

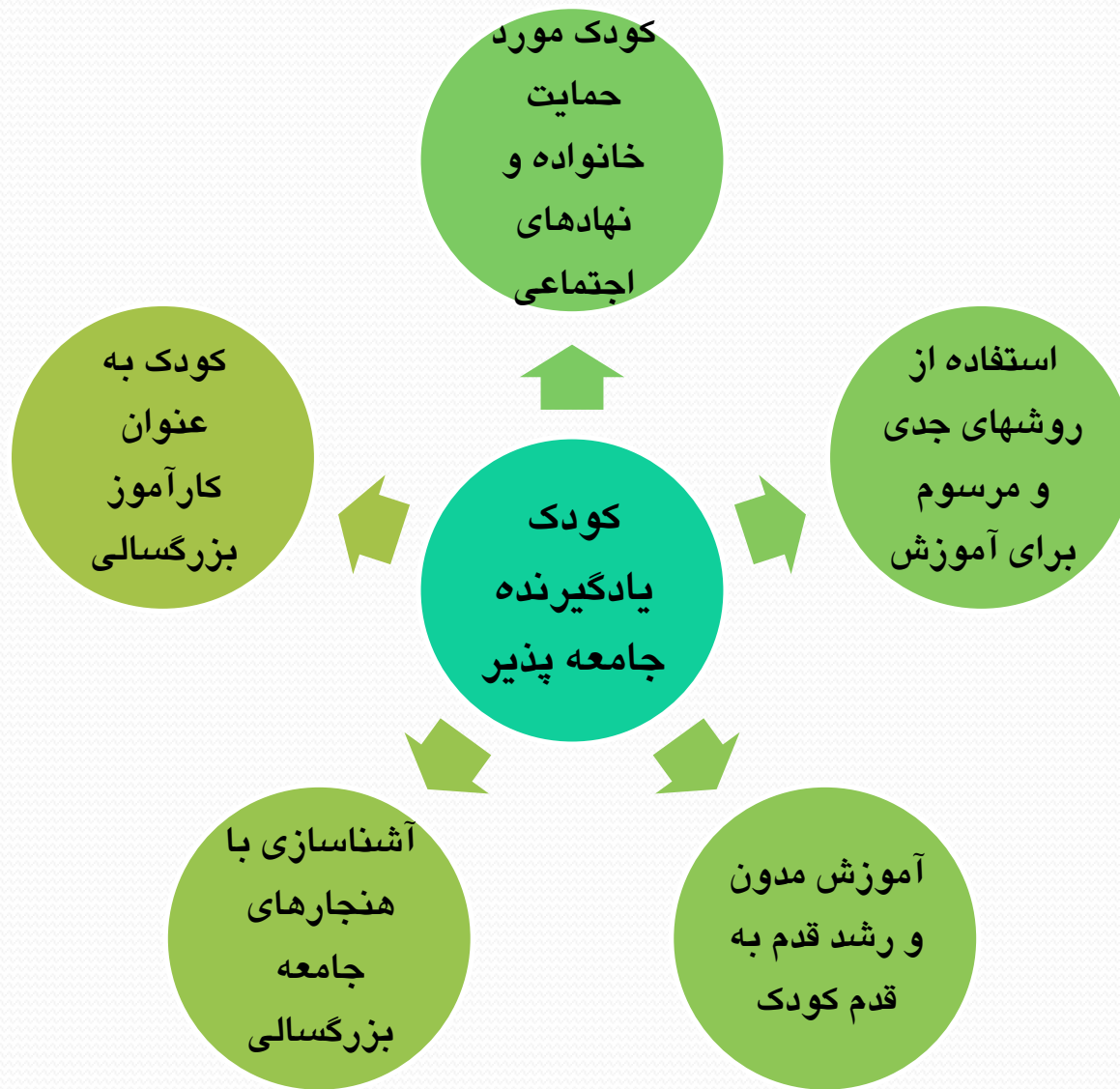


این ایماژ اصالتاً به قرون وسطی برمی گردد ولی در حال حاضر نیز می توان کودکان کار را در این دسته قرار داد. امروزه این طرز تلقی به نوعی کودک آزادی ممکن است به شمار برود.



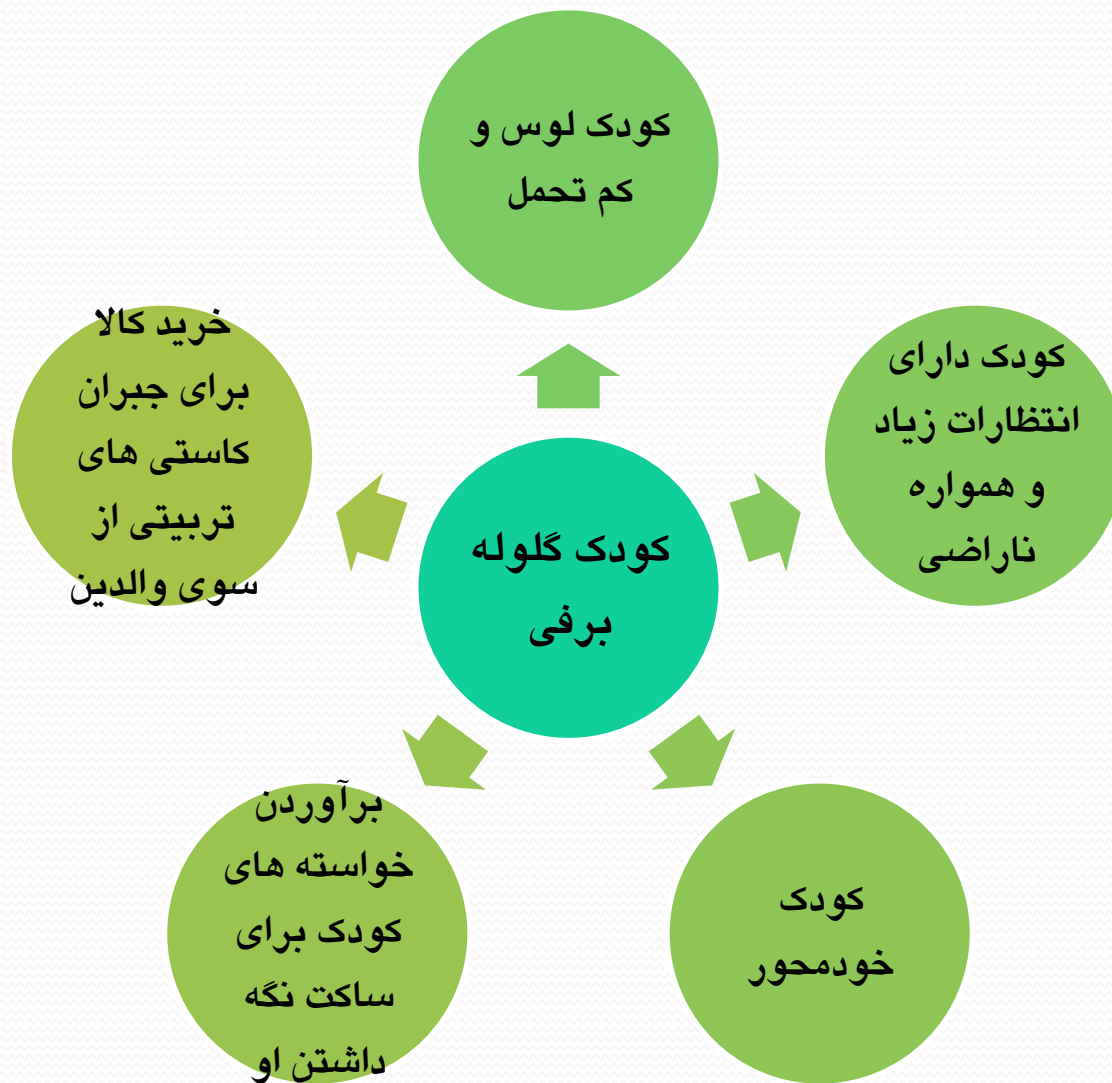




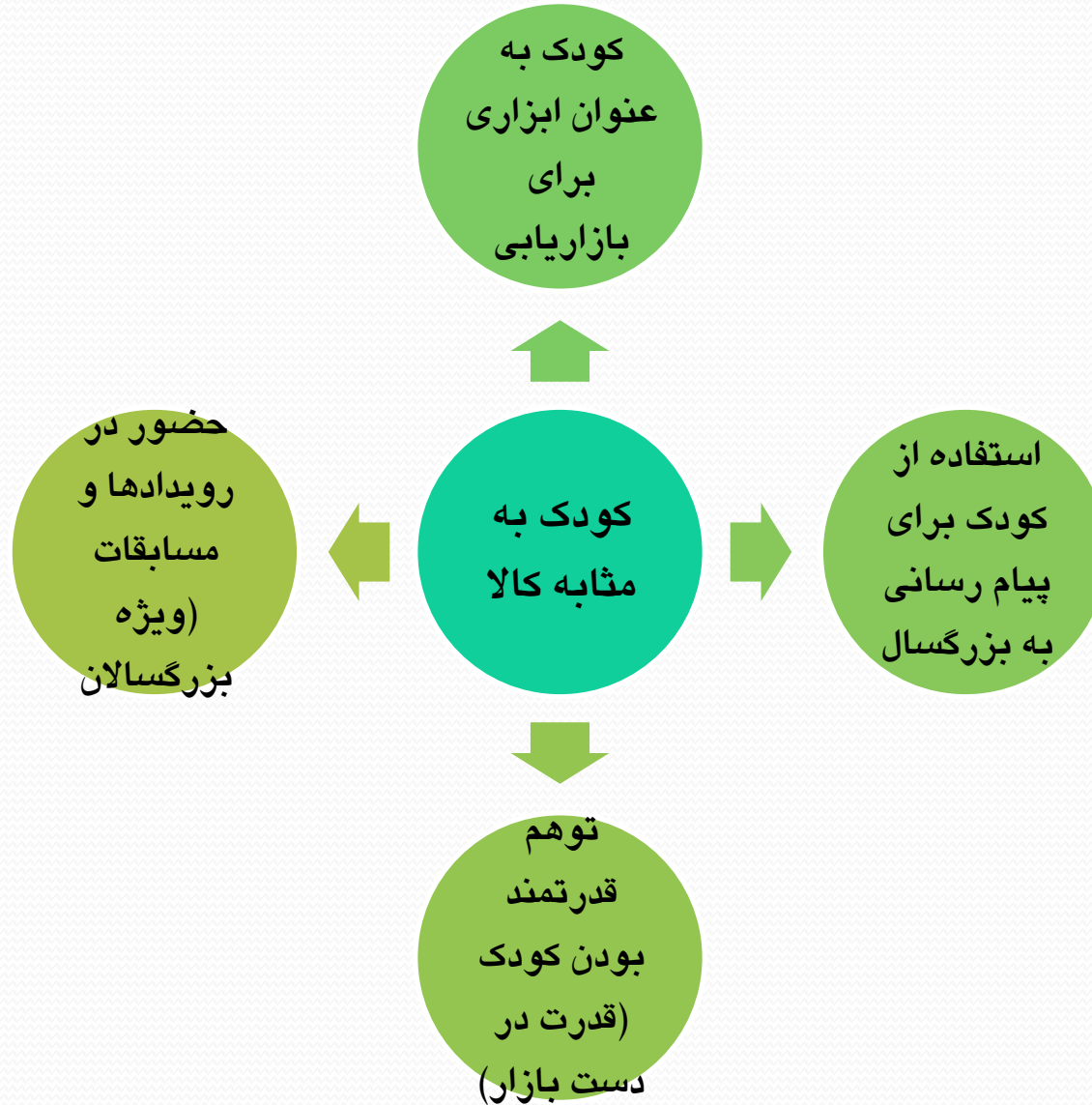














نگاهی به برخی مفاهیم در نظریه گفتمان لاکلا و موف

گفتمان

شیوه ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن (یورگنسن و فیلیپس)

مفصل بندی

مفصل بندی، عمل تلفیق و تثبیت مولفه ها یا نشانه هاست به نحوی که این مولفه ها با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه پیدا می کنند. گفتمان مجموعه ای از نشانه هاست که در نتیجه ی مفصل بندی، در شبکه روابط با نشانه های دیگر قرار می گیرند و کلیتی ساخت مند را شکل می دهند.

دال های مرکزی و شناور

نشانه های درون یک گفتمان، حول یک دال مرکزی به طور جزئی تثبیت می شوند.

دال های شناور نشانه هایی هستند که گفتمان های مختلف تلاش می کنند به روش خاص خودشان به آنها معنا ببخشند و آنها را در گفتمان خود (موقتا) تثبیت و مفصل بندی کنند.

وقته و عنصر

وقته نشانه ایست که به واسطه مفصل بندی، موقتا درون گفتمان تثبیت شده باشد. عنصرها نشانه هایی هستند که معنای آنها هنوز در گفتمان تثبیت نشده است.

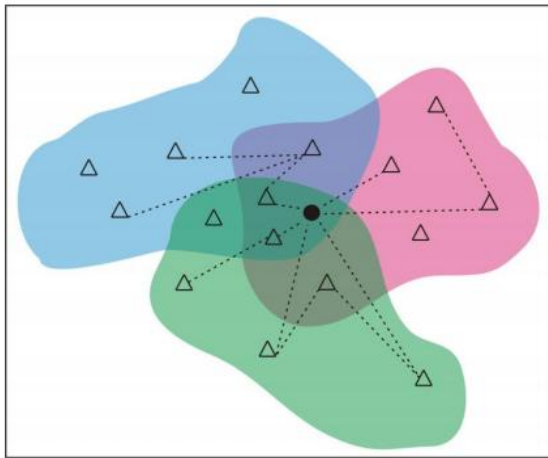
هژمونیک شدن نشانه

هژمونیک شدن نشانه به این معناست که از میان انواع معناها، یک معنای خاص برای نشانه تثبیت گردد و در سطح وسیعی در افکار عمومی مورد پذیرش قرار گیرد. به این ترتیب نوعی انسداد (هرچند موقتی) در معنای نشانه به وجود می آید.

تحلیل گفتمان، مدلولی را که گفتمان مسلط آنرا به دال چسبانده است، از آن دور سازد و ساختارهایی را که طبیعی می انگاریم، واسازی می کند و می شکنند.

نگاه گفتمانی به هویت

سوژه دارای شخصیتی تکه تکه است و با قرار گرفتن در موقعیت های سوژگی متفاوت، هویت های متفاوتی کسب می کند.



سوژه بیش تعیین شده

گاه سوژه ها در معرض گفتمان های متضاد قرار می گیرند. هر یک از گفتمانها، سوژه را به سوی خود «فرا می خواند» تا آنرا در گفتمان خود تثبیت کند. در این حالت، سوژه در وضعیت «بیش تعیین شده» قرار می گیرد و مجبور است از میان گفتمان های رقیب، یکی را انتخاب کند.

هویت گروهی و غیریت سازی

برای شکل گیری «گروه» یا «هویت گروهی»، بعضی از احتمالات هویت یابی را مناسب تلقی می کنیم و احتمالات دیگر را کنار می گذاریم. آن «دیگری» را که ما به واسطه در تقابل قرار دادن خود با او «خود» را می شناسیم، «طرد» می کنیم و تفاوت های درون گروهی را نادیده می گیریم.

یافته ها - ۱. ایماژهای ثابت

در تعدادی از متون بررسی شده، از ابتدا تا انتها یک ایماژ واحد از کودکی به نمایش درمی آید و تغییری در ایماژ کودکی اتفاق نمی افتد. این موضوع یادآور رویکرد هستی شناختی است.

سه ایماژ پربسامد و بدون تغییر: طبیعی سازی و کلیشه شدن



آیتم های نمایشی تبلیغاتی در همه برنامه های بررسی شده بجز شادونه و پرندگان زبل حضور دارد. تبلیغ تک ماکارون (کتابخانه پورنگ)؛ محصولات نادى (جمعه به جمعه)؛ محصولات فرهنگى برنامه (رنگین کمان)؛ کالاهای کمک به خواندن و نوشتن (فیتيله)

کودک به
مثابه کالا

استفاده از برنامه مخصوص کودکان برای پیام رسانی به بزرگسال. مثل آیتمهای نوستالژیک تشویق مصرف گرایی و بازتولید ارزشهای سرمایه داری ، موفقیت یا سعادت مندی کودک وابسته به مصرف گرایی او بازنمایی می شود.
سوء استفاده و زوال کودکی

کودک یادگیرنده جامعه پذیر

روایت های دینی، توصیه های مجری، جمع بندی پیام های آموزشی برنامه، سوال و جواب با کودکان تماشاچی و ...

کودک گلوله برفی

شخصیت های خودمحور و زیاده خواهی که
تا پایان داستان، تحول پیدا نمی کنند.



شخصیت قدقد (جوجه) در جمعه به
جمعه، خونه به خونه.



شخصیت نفس بابا در کتابخانه پورنگ

یافته ها - ۲. تحول ایماژهای کودکی

در اکثر متون بررسی شده، ایماژ کودکی ماهیت ثابتی ندارد و با پیشرفت روایت داستان، دچار تحول میگردد.

بدین معنی که شخصیت‌های کودک که به طور نسبی در یک گفتمان کودکی تثبیت شده‌اند، در طول داستان به سوی گفتمانهای دیگر فراخوانده می شوند و در گفتمان های جدید مفصل بندی می شوند.

تنوع و تحول گفتمان ها نشان از رویکردهای **برساخت گرایی و گفتمانی** دارد.

مثلا از کودک معصوم به کودک فعال و در نهایت به کودک جامعه پذیر

از میان ۱۱ ایماژ کودکی که در این مقاله معرفی شد، «**کودک معصوم**»، «**کودک گلوله‌برفی**»، «**کودک یادگیرنده جامعه پذیر**» و «**کودک به‌مثابه کالا**» در برنامه‌های بررسی‌شده حضور پررنگ‌تری دارند. در موارد معدودی که ایماژهای دیگر نمایان می‌شود، طی تحول گفتمانی، جای خود را به ایماژ کودک یادگیرنده می‌دهند.

محدود بودن ایماژها به موارد فوق و ثبات برخی از آنها نشان از آن دارد که این ایماژها به گفتمان **هژمونیک** و مورد انتظار تبدیل شده‌اند (بخصوص یادگیرنده) و به نظر می‌رسد در این متون، تلاش شده برخی ایماژها به عنوان تصویر **طبیعی** از کودکی بازنمایی شود (مانند معصوم و گلوله‌برفی).

پیشنهاد: تنوع یافتن ایماژهای کودکی با تکیه بر کنشگری و خلاقیت کودکان به ویژه کودک فعال و خلاق

ایماژ اولیه	عامل تحول	روند تحول ایماژهای کودکی (غیر از رنگین کمان)	نام برنامه	متون
کودک معصوم	اشتباه کودک و بروز مشکل / تأثیر مثبت دنیای بزرگسالی بر کودک	کودک معصوم و ناآگاه؛ بروز درگیری یا مشکل به دلیل بی-تجربگی؛ تأثیر مثبت بزرگسالان و حل مشکل؛ کودک یادگیرنده جامعه-پذیر	شادونه و پرندگان زبل	مطالعه؛ نظم و مراقبت؛ دندان-درد؛ دروغ-گویی؛ مهمان-داری
		کودک معصوم؛ بروز مشکل و اشتباه کودک؛ تأثیر مثبت دنیای بزرگسالی (آموزش غیرمستقیم)؛ تغییر موقعیت سوژگی و تجربه فضای متفاوت؛ کودک فعال؛ کودک یادگیرنده جامعه-پذیر	جمعه به جمعه...	ناشکری دانش-آموزان؛ مانور زلزله
	تأثیر نامطلوب دنیای بزرگسالی بر کودک / اشتباه کودک و بروز مشکل	کودک معصوم؛ تأثیر نامطلوب دنیای بزرگسالی؛ رفتار ناهنجار کودک؛ تجربه کردن نتیجه نامطلوب رفتار؛ قرار گرفتن کودک در موقعیت سوژه بیش-تعیین شده؛ دخالت مثبت بزرگسال؛ کودک یادگیرنده جامعه-پذیر	جمعه به جمعه...	سادگی؛ چشم و همچشمی
		کودک معصوم؛ تأثیر نامطلوب دیگران؛ نتیجه نامطلوب؛ کودک یادگیرنده جامعه-پذیر	کتابخانه پورنگ	کنترل خشم؛ خلاقیت
	کودک معصوم؛ تأثیر نامطلوب دیگران؛ گلوله برفی؛ دخالت بزرگسال؛ کودک یادگیرنده جامعه-پذیر	کتابخانه پورنگ	وظیفه	
گلوله برفی، رفتار نامطلوب کودک / تأثیر مثبت دنیای بزرگسالی	کودک گلوله برفی؛ مداخله مثبت بزرگسال؛ قرار گرفتن کودک در موقعیت سوژه بیش-تعیین شده یا مواجه شدن با مشکل و درگیری؛ کودک فعال؛ کودک یادگیرنده جامعه-پذیر	جمعه به جمعه	کارگروهی؛ حسن کچل؛ سرما و لباس زیاد؛ قشقش-قلی-خان	
تقابل گفتمان های کودکی (ظالم و مظلوم)	تقابل دو گفتمان کودکی؛ غیریت-سازی؛ دخالت بزرگسال؛ تغییر موقعیت سوژگی و جابجایی گفتمان-ها؛ عضویت در گروه و برقراری انسجام گروهی؛ کودک فعال؛ کودک یادگیرنده جامعه-پذیر	شادونه و ...	خانم گل	
		کتابخانه پورنگ	زور گفتن؛ کار گروهی	
سایر (مینیاتوری و قربانی و فعال)	وجود وضعیت نامطلوب؛ رفت و برگشت بین دو گفتمان کودک مینیاتوری و کودک معصوم	فیتيله	تربیون آزاد	
		جمعه به...	آلودگی هوا	
		کتابخانه پورنگ	بگو مگو	
رفت و برگشت بین دو گفتمان کودک یادگیرنده و فعال				

ایماژ نهایی	تاثیر بزرگسالان	عامل تحول	ایماژ اولیه	
یادگیرنده جامعه پذیر	مثبت: راهنمایی و حل مشکل	بروز مشکل یا رفتار نامطلوب به دلیل ناآگاهی کودک	کودک معصوم	۱
	منفی (گمراه کردن) و مثبت (راهنمایی برای حل مسئله)	تأثیر نامطلوب دنیای بزرگسالی بر کودک / اشتباه کودک و بروز مشکل		۲
	مثبت: قرار دادن کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده	تغییر موقعیت سوژگی (برای یادگیری رفتار جدید)		۳
	منفی (گمراه کردن) و مثبت (قرار دادن کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده)	بروز مشکل (به دلیل تاثیر نامطلوب دیگران بر کودک)		۴
	مثبت: قرار دادن کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده	رفتار نامطلوب کودک / تأثیر مثبت دنیای بزرگسالی	گلوله برفی	۵
	مثبت: قرار دادن کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده؛ دخالت هژمونیک	غیریت سازی. گروه خودی و ناخودی و ظالم و مظلوم	تقابل دو گفتمان کودکی	۶
	منفی در تریبون آزاد، مثبت و کمک به تغییر موقعیت سوژگی در الودگی هوا	وجود وضعیت نامطلوب در محیط پیرامون	قربانی و مینیاتوری	۷

ایماژهای اولیه غالب : کودک معصوم (طبیعی سازی)



کودک معصوم ناآگاه به دلیل بی تجربگی دچار یک مشکل می شود.
نمونه: پرندگان زبل در برنامه خاله شادونه.
آنها در خانه را به روی مهمان باز نمی کنند چون مراقبت از خانه را هم ارز راه
ندادن غریبه ها می دانند



کودک معصوم کم تجربه، تحت تاثیر آموزش های مثبت دنیای بزرگسالی
قرار می گیرد
نمونه: مانور زلزله در برنامه جمعه به جمعه
کودکان در ابتدا وحشت می کنند و هرج مرج می شود، ولی با راهنمایی
معلم، شیوه صحیح پناه گرفتن را یاد می گیرند.



محیط اطراف و بزرگسالان تاثیر نامطلوبی بر کودک معصوم می گذارند که
او به رفتاری نامطلوب دست می زند.
نمونه: در برنامه کتابخانه پورنگ، سلطان که همواره شخصیتی مظلوم دارد،
از عصبانیت به وسایل دوستش آسیب می زند. کاشف به عمل می آید که او
این رفتار را از بزرگسالان آموخته است.

تأکید بر معصومیت کودکان، در عین حال که محبت و علاقه بزرگسالان به کودکان را انعکاس می دهد، **دال آسیب پذیری**، **ناتوانی و ناآگاهی و انفعال** کودکان را نیز در خود مستتر دارد. تقریباً در همه قسمت‌ها، داستان از بروز مشکل یا اشتباهی از سوی کودکان آغاز می شود که ناشی از **ناآگاهی و بی تجربگی کودک** معصوم یا **تاثیر نامطلوب بزرگسالان** بر کودکان است. تکرار بازنمایی ناتوانی کودکان در کنشگری صحیح چنین تداعی می کند که لازم است کودکان برای کنشگری فعال، **تا زمان بزرگسالی صبر کنند**.

کمتر زمانی شاهد وجود **شرایط نامطلوب در محیط پیرامون** هستیم که کودکان در شکل گیری آن نقش نداشته باشند و داستان بر محوریت اصلاح آن شرایط شکل گرفته باشد. چنین مضمونی اغلب در متونی با ایماژ «**کودک قهرمان**» یا «کودک فعال» یا «کودک جهانی خلاق» قابل ارائه است که در متون بررسی شده بسیار نادر هستند (آیتم مسئولیت در آلودگی هوا).

پیشنهاد: به نظر می رسد توانمندسازی کودکان و انتخاب مضامینی که در محدوده توانایی هایی کودکان است به تقویت حس خودکارآمدی کودکان کمک می کند. بویژه که امکان به کارگیری فانتزی هست.

ایماژهای اولیه غالب (طبیعی سازی) ✓ کودک گلوله برفی

این ایماژ در قرن ۲۱ و جوامع مدرن گسترش یافته است. در متون بررسی شده، اکثر شخصیت‌هایی که حاوی خصوصیات کودک‌گلوله برفی هستند، تا پایان داستان این ویژگیها را حفظ می‌کنند و آموزش و تلاشهای بزرگسالان، کمکی به اصلاح آنها نمی‌کند. (برای حفظ این شخصیت‌ها در برنامه)

تکرار بازنمایی این ایماژ آنرا به کلیشه تبدیل کرده، **طبیعی سازی** می‌نماید.

در مواردی شاهد تغییر این ایماژ در روند داستان هستیم که اغلب با استفاده از آموزش غیرمستقیم انجام می‌شود. در ادامه نمونه آنرا خواهیم دید. (**حسن کچل**)

گفتمان هژمونیک و عینی شده نهایی: مطلوب و مورد انتظار ✓ کودک یادگیرنده جامعه پذیر

در اغلب متونی که گفتمان کودکی در آنها متحول می شود، فرایند تحول به ایماژ «کودک یادگیرنده جامعه پذیر» ختم می شود.

همچنین این ایماژ یکی از سه ایماژ بدون تغییر در سایر متون است.

لذا برنامه سازان در کنار سرگرم ساختن مخاطبان کودک، آموزش و جامعه پذیری آنان را مد نظر دارند. پس به نظر می رسد رویکرد جامعه شناسی سنتی کارکردگرا بر برنامه کودک مسلط است.

آموزش جامعه پذیری بر مبنای کارکردگرایی، به بازتولید هنجارهای اجتماعی مرسوم گرایش دارد و کودکان را برای ایفای نقش در قالب ساختارهای موجود جامعه آماده می سازد.

بنابراین تسلط این طرز تلقی در متون بررسی شده، **کنشگری** کودکان را به چارچوبهای مرسوم در **ساختار** (نظریه ساخت یابی گیدنز) محدود می کند. به همین دلیل از نگاه رویکردهای جدید در جامعه شناسی کودکی، کارکردگرایی طرز تلقی **محافظه کارانه ای** به شمار می رود. تاکید بر این رویکرد به نوعی **نمایانگر هراس بزرگسالان** است از اینکه کودکان به

شهروندان مسئولی تبدیل نشوند یا مطابق با نظم مورد انتظار جامعه رفتار نکنند.
شخصیت دایی به عنوان نمونه کسی که جامعه پذیر نشده



از منظر **خاص گرایی و عام گرایی**، هژمونیک بودن ایماژ کودک یادگیرنده جامعه پذیر و نقش برجسته و پررنگ بزرگسالان در راهنمایی شخصیت های کودک که کودکان را از تفکر خلاق و انتقادی بی نیاز می سازد، موجب شده **کنشگری خلاق کودکان** در این متون به حاشیه رانده شود.

برای مثال، نتیجه نوآوری های شخصیت **پنگول** چنین تداعی می کند که خلاقیت و دور شدن از روال مرسوم، نتایج ناخوشایندی را در پی خواهد داشت.

پیشنهاد: تقویت خلاقیت به ویژه با پتانسیل فانتزی. مورد نیاز برای عصر کنونی و آینده

جرقه تحول گفتمانها

- ۱- در اغلب متون بررسی شده، بروز مشکلی برای کودکان یا **رفتار نامطلوب** آنان نیروی محرکه تغییرات و پیشروی روایت است. (ناآگاهی و **کم تجربگی** کودک معصوم) (خاله شادونه و پرندگان)
- ۲- چشم و هم چشمی یه قل و دوقل در قالب عناصری در گفتمان ساختگی تجمّل. تعارض درونی و تثبیت نشدن آنان در آن گفتمان نیازمند به کمک بزرگسال برای اصلاح شرایط و متحول شدن گفتمان **پیشنهاد:** تحول **لزوما نیازمند قدرت بزرگسال** نباشد. توانمندسازی کودکان، تفکر خلاق برای حل مسئله و...
پیشنهاد: توصیه های اخلاقی بزرگسالان عمدتاً بر محوریت **آنچه نباید انجام شود** شکل می گیرد (آموزشهای سلبی) در حالیکه تشویق کودک به فعالیتهای مثبت و اصلاح شرایط می تواند مفید باشد.

۳- کمتر زمانی شاهد وجود شرایط نامطلوب در **محیط پیرامون** هستیم که کودکان در شکل گیری آن نقش نداشته باشند و داستان بر محوریت اصلاح آن شرایط شکل گرفته باشد.

پیشنهاد: چنین مضمونی اغلب در متونی با ایماژ «**کودک قهرمان**» یا «کودک فعال» یا «کودک جهانی خلاق» قابل ارائه است که در متون بررسی شده بسیار نادر هستند (آیتم مسئولیت در آلودگی هوا)

۴- در مواردی بخصوص در برنامه رنگین کمان، **نارضایتی** کودک از شرایط و قواعد موجود، جرقه روند تحولات را می زند و با بروز مشکل و اشتباه از سوی کودکان ادامه پیدا می کند. (مهر صدافرین)
این دال، بین گفتمانهای کودک فعال، گلوله برفی و جهانی و خارج از کنترل می تواند مشترک باشد.

۵- در مواردی نیز **تقابل دو گفتمان** کودکی عامل پیشبرنده داستان است. (زورگویی و کارگروهی؛ خانم گل). غیریت سازی و هویت گروهی در این موارد اهمیت پیدا می کند.

از خانم گل خواسته می شود بزرگتر گروه باشد. تفسیر او از بزرگسالی، قدرتمندی است.

مناسبات قدرت

در روابط

کودک و بزرگسال



خانم گل غیریت سازی می کند.
عنصری است در گفتمان بزرگسالی.
تثبیت نشده
پیشنهاد: از هویت گروهی کودکان در
فعالیت‌های مثبت و کارگروهی بهره
گرفته شود.

ایماژ نهایی	تسهیلگر تحول	جرقه تحول	ایماژ اولیه
یادگیرنده جامعه پذیر	راهنمایی و حل مشکل (مداخله هژمونیک)	بروز مشکل یا رفتار نامطلوب به دلیل ناآگاهی کودک	کودک معصوم
	قرار دادن کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده		
	قرار دادن کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده	بروز مشکل (به دلیل تاثیر نامطلوب دیگران بر کودک)	
	راهنمایی برای حل مسئله (مداخله هژمونیک)		
	قرار دادن کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده	رفتار نامطلوب کودک	گلوله برفی
	قرار دادن کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده؛ دخالت هژمونیک	غیریت سازی. گروه خودی و ناخودی و ظالم و مظلوم	تقابل دو گفتمان کودکی
	منفی در تریبون آزاد، کمک به تغییر موقعیت سوژگی در الودگی هوا	وجود وضعیت نامطلوب در محیط پیرامون	سایر

تسهیلگران تحول گفتمانها

-در برخی از متون، نتیجه و پیامد رفتار نامطلوب به صورت مستقیم به نمایش درمی آید. با راهنمایی (آموزش و مداخله مستقیم) بزرگسالان مشکل حل می شود. (متاثر از رفتارگرایی و یادگیری اجتماعی)

-آموزش به شیوه غیرمستقیم: بزرگسالان قصه شرایطی را فراهم می کنند که شخصیت کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده قرار بگیرد و با کنده شدن موقتی از گفتمان اصلی یا واقعی، موقتا در گفتمان دیگری مفصل بندی گردد. حضور کودک در این گفتمان جدید به درک مفاهیم مورد نظر کمک می کند.

-گاهی بزرگسال با مداخله هژمونیک (نرم افزاری یا سخت افزاری) قائله را پایان می دهد. مانند خالی کردن باد پهلوان پنبه (بصورت نمادین) یا جراحی کردن مغز سلطان. (جنبه طنز دارد اغلب)

-گاهی تاثیر نامطلوب دارند بزرگسالان: کودک مینیاتوری در فیتيله



ایماژ نهایی	تسهیلگر تحول	جرقه تحول	ایماژ اولیه
یادگیرنده جامعه پذیر	راهنمایی و حل مشکل	بروز مشکل یا رفتار نامطلوب به دلیل ناآگاهی کودک	کودک معصوم
	قرار دادن کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده	بروز مشکل (به دلیل تاثیر نامطلوب دیگران بر کودک)	
	قرار دادن کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده		
	راهنمایی برای حل مسئله		
	قرار دادن کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده	رفتار نامطلوب کودک	گلوله برفی
	قرار دادن کودک در موقعیت سوژه بیش تعیین شده؛ دخالت هژمونیک	غیریت سازی. گروه خودی و ناخودی و ظالم و مظلوم	تقابل دو گفتمان کودکی
	منفی در تریبون آزاد، کمک به تغییر موقعیت سوژگی در الودگی هوا	وجود وضعیت نامطلوب در محیط پیرامون	سایر

داستانهای «زور گفتن» و «کار گروهی» برنامه «کتابخانه پورنگ» دارای ساختار نسبتاً مشابه و شخصیت‌های یکسانی است ولی موقعیت سوژه‌ها در این دو داستان، متفاوت است. در داستان «زور گفتن»، امیرمحمد در موقعیت سوژگی مظلوم، و سلطان و پهلوان پنبه در موقعیت سوژگی گروه ظالم قرار دارند؛ در حالی که در داستان «کار گروهی»، سلطان مورد ظلم قرار می‌گیرد و پهلوان پنبه و امیرمحمد هویت گروهی ظالم را کسب کرده‌اند.

تقابل دو گروه ظالم و مظلوم موجب درگیری و گله‌گذاری می‌شود. گروه ظالم از مفهوم «قدرت و زورمندی» و «کار گروهی» تفسیری ارائه می‌دهند که بر طبق آن، افراد قدرتمند می‌توانند خواسته‌های خود را به ضعیفان تحمیل کنند. عمو پورنگ با تکیه بر همین تفسیر و با تغییر دادن موقعیت سوژگی افراد (کارگردان برنامه در موقعیت قدرت)، شرایطی را فراهم می‌کند که کودکان قصه به نادرست بودن دیدگاهشان پی ببرند.



ایماژهای حاشیه ای یا موقتی

ایماژهای کودک قهرمان، کودک فعال و کودک جهانی خلاق در برنامه های بررسی شده حضور حاشیه ای دارند یا در روند تحولات گفتمان های کودکی، جای خود را به گفتمان دیگری می دهند.

✓ کودک خلاق جهانی

کودک خلاق جهانی، فراتر از قواعد و دستورالعمل‌های موجود، به «من فاعلی» قدرت می‌بخشد. به تعبیر والتر بنیامین دارای کارکرد انتقادی اجتماعی است زیرا کودکان به خلق دنیای جدیدی دست می‌زنند که بزرگسالان در وانفسای روزمرگی از تصور آن دور افتاده‌اند.

در بخش **کاردستی** که با محوریت خلاقیت و نوآوری طراحی شده نیز شخصیت کودک پیرو راهنمایی‌های بزرگسال است (کودک یادگیرنده)

پنگول



پنگول شخصیتی استثنایی است و تکه تکه بودن و سیالیت هویت های گفتمانی را به نمایش می گذارد.

شخصیت پنگول از یک سو قواعد دنیای بزرگسالی را قبول ندارد و در هر قسمت،

راهکارهای خلاقانه ای برای دور زدن قواعد به نمایش می گذارد (کودک خلاق) و از سوی دیگر همین دال به گفتمان کودک خارج از کنترل نزدیک است (راهکارهای پیشنهادی پنگول همواره به نتایج نامطلوب و مخرب منجر می شود و در هر قسمت اشتباهات جدیدی انجام می شود. پنگول سایر کودکان را نیز گمراه می کند).

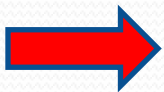
لغزش شخصیت پنگول بین این دو گفتمان ممکن است این پیام را تداعی کند که بهتر است کودکان از خلاقیت دوری نموده، به اجرای قواعد مرسوم بپردازند.

✓ کودک فعال

گفتمان کودک فعال با تکیه بر کنشگری کودکان ، «**بازتولید** **تفسیری**» را مورد توجه دارد. بر این مبنا شخصیت های کودک برمبنای تفسیر خود از قواعد دنیای بزرگسالی، آنها را به شیوه خود در تعاملات با کودکان و دنیای پیرامون به کار می برند. در تعاملات پنگول و دوستانش قابل مشاهده است. مثلا در داستان مهر صدافرین ناکارآمدی راهکارهای پیشنهادی پنگول و نتایج نامطلوب حاصل از اجرای آنها، در نهایت به مداخله هژمونیک بزرگسالان و غلبه گفتمان کودک یادگیرنده منجر می شود.

پنگول در داستان مهر صد آفرین

آنها حاضر نیستند درس بخوانند، به قواعد راضی نیستند (گلوله برفی) طبق تفسیر یا طرز تلقی پنگول و نیما، کودکان درس می خوانند تا مهر صد آفرین بگیرند. یعنی مهر هدف نهایی و دال مرکزی دانش آموزی است (فعال). پنگول نیما را با خود همراه می کند (کودک خارج از کنترل). آنها در غیاب خاله نرگس (معلم)، مهر را از کیف او برمی دارند و بعد از پر کردن دفتر خودشان، به کاسبی با استفاده از آن می پردازند (بازتولید تفسیری).



گفتمان کودک فعال در انواع متونی که در آنها بزرگسالان برای آموزش کودکان از شیوه آموزش غیرمستقیم بهره گرفته، کودکان را در موقعیت سوژه بیش تعیین شده قرار داده اند نیز قابل مشاهده است. البته روند تحولات گفتمان های کودک در این متون نهایتاً به کودک یادگیرنده منجر شده است. مثل حسن کچل



داستان حسن کچل

حسن کچل با دارا بودن صفاتی همچون تنبلی، انتظارات بیش از حد و نارضایتی در گفتمان گلوله برفی مفصل بندی می شود. مادر حسن برای نجات فرزندش از تنبلی، و تشویق او به کشاورزی، راهکای به کار می برد و از دال «گنج» که مفهومی چندمعنایی است و می تواند تفاسیر متفاوتی داشته باشد، استفاده می کند. (با دستکاری این دال، کودک را به سمت گفتمان کار فرامی خواند)

بیل زدن و کندل زمین دال شناوری است که در گفتمان کشاورزی با تلاش برای شخم زدن و کاشتن بذر؛ و در گفتمان گنج یابی با تلاش برای به دست آوردن گنج هم ارز است.

حسن با علاقه به سوژه ای در گفتمان گنج یابی تبدیل می شود و با بیل زمین را می کند ولی در پایان متوجه می شود که کار هم معنایی از گنج است. مادر این تعریف را هژمونیک می کند.

نتیجه گیری

از نگاه جامعه شناسی جدید کودکی، ایماژی که از توانمندی، قدرت تعامل و کنشگری (عاملیت) یا انفعال و ناتوانی و تحت کنترل بودن (ساختار) کودکان ارائه می شود، تحت تاثیر فرایندها و زمینه های اجتماعی فرهنگی سیاسی است و از این منظر قابل تحلیل است.

گفتمان جامعه پذیری که هژمونیک شده در برنامه ها، به حفظ وضعیت موجود و محافظه کاری گرایش دارد؛ حال آنکه گفتمان خلاق و جهانی می تواند دارای جنبه انتقادی اجتماعی باشد و کنشگری خلاق به منظور اصلاح ساختارها را تشویق نماید.

متون ادبیات کودک فضای گسترده‌ای برای کاربرد فانتزی و تخیل پردازی دارند. خلاقیت و تفکر انتقادی از مهارت‌های مورد نیاز در عصر کنونی و آینده است. پیشنهاد میشود بازنمایی این ایماژها در برنامه کودک تلویزیون تقویت شود.

تبدیل آموزه‌های سلبی به آموزش‌های مثبت اجتماعی؛ همکاری گروهی

شیوه آموزشی غیرمستقیم (سوژه بیش تعیین شده) مفید است در آموزش‌های مشارکتی برای نسل جدید

مداخله گران نهایی بزرگسالان هستند. حال آنکه لازم است ایماژ توانمندتر و خلاقتری از کودکان ارائه شود، استقلال نسبی در حل مسئله

مشارکت بیشتر کودکان در برنامه به رغم مشکلات این کار.
(از منظر رویکرد مطالعات فرهنگی)

آرزوی سلامتی شما